

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۸ ● ۲۱ ذی القعدة ۱۴۴۰ ● ۲۴ جولای ۲۰۱۹

اخبار

در بزرگ‌ترین متولی فرهنگی شهر چه خبر است؟

اخبار منتشر شده درباره فعالیت‌های فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران تامل درباب فعالیت‌های فرهنگی روتین دولتی را دوباره واجب می‌سازد.

چند هفته پیش خبری منتشر شد که سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به مناسبت میلاد امام رضا (ع) بزرگ‌ترین کیک جهان اسلام را می‌پزد و بین شهروندان توزیع می‌کند. خبر البته به این سادگی نبود بلکه با توضیحاتی آ‌ب‌وتاب دار درباره ابعاد و وزن این کیک و بی‌نظیر بودن آن در جهان اسلام و همراه با ذکر نکته ثبت رکورد بزرگ‌ترین کیک در کتاب مشهور رکوردهای گینس همراه بود.
بعدتر البته مشخص نشد که سرنوشت این کیک چه شد؛ اما این اقدام به عنوان مهم‌ترین فعالیت یا یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری در ایام دهه کرامت در رسانه‌ها ثبت و ضبط شد.

حالا امروز خبر رسیده است که سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در راستای بیانیه مشهور رهبر انقلاب اسلامی موسوم به بیانیه گام دوم فعالیت‌های خودش را شروع کرده است و در اولین اقدام؛ ۱۲ کلیدوازه از این بیانیه را انتخاب و روی ساسی‌های بزرگی خطاطی‌شان کرده است و بعد رئیس سازمان در ویژه برنامه‌ای که با عکاسی و حضور جمعی از مدیران و معاونان سازمان فرهنگی هنری بوده است این دیوار را افتتاح کرده است.

این دومین اقدام سوال‌برانگیز سازمان فرهنگی و هنری شهرداری در روزهای اخیر است. در شرایطی که کار فرهنگی در کشور با شرایط کاملاً ویژه‌ای روبرو است، بزرگ‌ترین متولی فعالیت‌های فرهنگی شهری در تهران اقدام به پختن کیک و افتخار به بزرگ‌ترین بودن آن در جهان اسلام می‌کند و بعد بیانیه گام دوم رهبر را به ۱۲ کلیدوازه و کوبیدن آنها به دیوار با حضور رئیس و معاونین و مدیران تقلیل می‌دهد.
انتخاب بدوی‌ترین شیوه‌های کار فرهنگی در کشور، با پرسش‌های متعددی می‌تواند مواجه شود. پرسش‌هایی از این قبیل که سازمان فرهنگی هنری شهرداری چگونه موفق شده است با انتخاب این شیوه‌های مبتدایی از کار فرهنگی عملاً «هیچ کاری نکردن» را موجه‌تر از این تصمیمات ساخته است؟ یا اینکه آیا در جمع روسا، مدیران و معاونان سازمان فرهنگی هنری شهرداری کسی نگاهی به تقویم‌های روی میزهایشان هم می‌کند تا متوجه شود که امروز در سال ۱۳۹۸ شمسی، پخت بزرگ‌ترین کیک و افتخار به آن و همچنین ساختن دیوارنگاره از بیانیه فوق‌العاده مهم گام دوم رهبر معظم انقلاب نه تنها کارکردی ندارد بلکه به سرعت به ضدبیتگی علیه خودش بدل می‌شود.

همه این ملاحظات اگر در کنار کارهای به زمین مانده فرهنگی در شهر تهران قرار گیرد آن وقت است که می‌توانیم با شبیه بیشتری به اتفاقاتی نگاه کنیم که این روزها در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران مشغول انجام است.

انبوهی از مضلات اساسی فرهنگ عمومی در شهری که به صورت متناوب در معرض تنبداد فردیت کلانشهری قرار داده است، وضعیت جامعه تهران را به وضعیت جامعه بحران‌زده‌ای شبیه کرده است که نیاز به رسیدگی هر چه سریع‌تر به فرهنگ عمومی و مسائل کلان شهری اش دارد و آن وقت متولی فعالیت‌های فرهنگی شهر تهران مشغول کیک پختن- بزرگ‌ترین کیک را پختن- و خطاطی کلیدوازه‌های بیانیه رهبری است.

کار روتین دولتی در ایران ظاهراً سرتاجمی جز این ندارد. پر کردن کارتابل‌های بزرگ و پرچم مدارای با مجموعه‌ای از کارهای کمریق و بی کارکرد و بی تناسب به وضعیت فعلی جامعه که فقط روبه نمادین فرهنگ را شناخته است و جز آن چیزی از فرهنگی نمی فهمد؟ سازمان فرهنگی هنری شهردای واقعاً دقیقاً مشغول انجام چه کاری است؟

جای اسناد تاریخی سوخته میدان حسن آباد در موزه‌ها بود

مدیرکل اسناد موزه‌های کشور گفت: از همه کسانی که اسناد تاریخی را نگهداری می‌کنند می‌خواهیم که این اسناد را به موزه‌ها تحویل دهند.

محمدرضا کارگر مدیرکل امور موزه‌ها و اموال منقول فرهنگی‌تاریخی سازمان میراث فرهنگی، با اشاره به انتشار خبری درباره از بین رفتن برخی از اسناد مهم تاریخی در جریان حادثه آتش‌سوزی در میدان حسن‌آباد تهران افزود: نگهداری اسناد تاریخی غیرقانونی نیست، اما بهتر این است که اسناد تاریخی در اماکن امن از جمله موزه‌ها یا سازمان اسناد و کتابخانه ملی نگهداری شوند.

وی افزود: از همه افرادی که اسناد تاریخی و مهم در اختیار دارند، درخواست می‌کنیم تا برای نگهداری هرچه بهتر از این اسناد و صیات قوی‌تر از آن‌ها، این اسناد را به موزه‌ها یا به سازمان اسناد و کتابخانه ملی تحویل دهند.

روز گذشته، سردفتر ۳۹ تهران با اشاره به حادثه آتش سوزی روز چهارشنبه میدان حسن آباد، تعداد دفاتر جاری این دفترخانه را در این حادثه از بین رفته است بیش از ۷۰۰ دفتر برشمرد و گفت: علاوه براین تعداد، اسناد ارزشمندی از جمله سندهای مربوط به آیت الله کاشانی و مصدق نیز طعمه حریق شد.

از تاثیر مُدجھانی تا تقابل با متولیان مدولباسی

با توجه به اینکه برخی از کارشناسان و منتقدان فرهنگی و هنری معتقد هستند که اتمسفر فرهنگ و هنر به گونه‌ای است که قائلان به هیچ‌گونه خطمش و ایدئولوژی نیست و همانند درختی است که هزاران شاخه دارد و از هر یک بهره‌ای می‌برند و با توجه به اینکه در دوران انفجار رسانه‌های اجتماعی به سر می‌بریم که بی‌وقفه پیشنهادهای هنری و بسته‌های فرهنگی برای مخاطبانش دارد نمی‌توان در تقابل و یا به زور فعالیت‌هایی انجام داد که تاثیر بسزایی در جامعه ندارد. اگر به حوزه مد و لباس توجه کنیم، در جامعه خواهیم دید که جوانان ما در یک طرف هستند که گویی در دایره سرگردانی افتاده‌اند و در دوراهی «این را بپوش» و «آن را نپوش» گیر کرده‌اند!

بسیاری از جوانان معتقدند که علاقه و تمایل آنان به سمت جریان جهانی مد بیشتر است و دیدگاه‌های نهاده‌ا و سازمان‌های متولی با آنان کاملاً فرق می‌کند. جوانان در جریانات ترند جهانی هستند و گویی نهاده‌ا، سازمان‌ها، طراحان و پژوهشگران در راهی دیگر، از همین رو، در این دو راهی‌ها هیچکس نمی‌تواند آن یکی را راضی کند که کدام راه درست‌تر و قابل باورتر است! پس در این دایره سرگردانی چه باید کرد؟ با توجه به اینکه مسئولان مربوطه شهامت به چالش کشیده شدن را ندارند و راهی که در پیش گرفتند خلاف چتهی است که مردم می‌روند. به نوعی در تقابل این نهاده‌ا و سازمان‌های متولی با مردم می‌بینیم که آن‌ها در سویی در حال برگزاری برنامه‌ها، نمایشگاه‌ا و جشنواره‌هایی هستند که هم‌مرزی، هم‌فکری و یکدستی با اندیشه‌ها و افکار مردم در سطح شهر ندارد و از طرفی مردم جامعه در حال انتخاب فرهنگ و الگوی متفاوت دیگری هستند که با الگوهای ترویجی نهاده‌ا در تضاد است. شاید مسئله پوشش در جامعه ایرانی اتفاقاتی رخ داده باشد اما دوگانگی و گسست همچنان پایدار است. خبرنگاران درباره وجود این گسست و فرهنگ اعمال شده از سوی متولیان این حوزه و درباره این روند با مخاطبان به صحبت نشسته اند که نقطه‌نظرات آنان در ادامه می‌آید:

همخوانی نداشتن سلاقی مردم و متولیان حوزه مد و لباس

درست است که میان سلاقی مردم و مسئولان و متولیان حوزه مد و لباس همخوانی وجود ندارد اما برای بسیاری از مردم جامعه این دغدغه وجود دارد که اگر تا زمانی در زمینه مد و لباس به خاستگاه واقعی و نسیم و میان نیاز جوانان و قوانین توازی ایجاد نشود، نمی‌توانیم به هدفمان در این حوزه دست پیدا کنیم. زمانی می‌توان در زمینه مد و لباس به خاستگاه واقعی رسید که بتوان بین نیاز جوانان و شرع و عرف جامعه توازن برقرار کرد. اگر این فرمول به هر شکلی از بین رود نه می‌توان نیاز جوانان را برآورده کرد و نه می‌توان به آنچه که در شرع و عرف یک زندگی ایرانی و اسلامی هدف قرار داده شده دست پیدا کرد. اگر تا ۳۲ ساله از فعالان اجتماعی است یا او درباره برگزاری نمایشگاه‌ا و جشنواره‌های مد و لباس در کشور صحبت می‌کنم که او تا چه اندازه این رویدادها را دنبال می‌کند و محصولاتی که ارائه می‌دهند با سلاقی آنان جور است، او می‌گوید: «جدیدترین ایده‌ها در زمینه مد و لباس و میزان پیشرفت تولید ملی در این عرصه باعث شده است اغلب جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های عمومی مد و لباس را پیگیری کنم اما به نظرم طرح‌های رایبه شده با سلاقی عمومی جامعه همخوانی ندارد. همچنین زمانی وجود نهاده‌های متولی قادر به اثربخش خواهند بود که بتوانند دوستداران این حوزه را به سمت طرح‌های جدید و به روز با سبک ایرانی اسلامی سوق دهد، در غیر این‌صورت وجود اصلی‌اش را از دست می‌دهد.»

او ناپناهده، سازمان‌ها و متولیان حوزه مد و لباس آشنا است و به وجود آن‌ها در جامعه آگاهی دارد اما حضور این نهاده‌ا را به شدت کم‌رنگ احساس می‌کند، «شکوفه» ادامه می‌دهد: «زمانی می‌توان در زمینه مد و لباس به خاستگاه واقعی رسید که بتوان بین نیاز جوانان و شرع و عرف در جامعه توازن برقرار کرد،

اگر این فرمول به هر شکلی از بین رود نه می‌توان نیاز جوانان را برآورده کرد و نه می‌توان به آنچه که در شرع و عرف یک زندگی ایرانی و اسلامی هدف قرار داده شده دست پیدا کرد. زمانی که زن جامعه امروزی نتواند لباسی مناسب برای خود بیابد به ناچار سمت ویترین پر زرق و برق مغازه‌ها کشش پیدا می‌کند و همین عامل سبب می‌شود به مرور زمان به پوشش فراصولی عادت کند و نوع سلاقی‌اش دستخوش تغییر شود، در این میان می‌تلبید متولیان امر نگاه جدی‌تری به این مقوله داشته باشند و با به کارگیری نیروهای زبده و دارای ایده زمینه پیشرفت در حوزه مد و لباس را فراهم کنند.»

انتخاب مردم در تضاد و تقابل با نهاده‌ا و متولیان مد و لباس

«راضیه» ۳۶ ساله و حسابدار است، بیشتر سبک‌های خاص و متفاوت را در حوزه مد و لباس دنبال می‌کند زمانی که از حضور جشنواره و نمایشگاه در صحبت با او یاد می‌کنم، او جواب می‌دهد: «از حضور جشنواره‌ها با موضوعیت مد و لباس در کشور خبردار نمی‌شوم و پیگیری نمی‌کنم زیرا سبک جشنواره‌های مزبور را نمی‌پسندم و از وجود نهاده‌ا و سازمان‌های متولی این حوزه با خبر نیستم.»

به او می‌گویم چرا آشنا نیستی و جشنواره‌ها را دنبال نمی‌کنی، شاید گاهی با سطح سلاقیات جور دربیایی؟ «راضیه» جواب می‌دهد: «حساس می‌کنم سبک موردپسند این نهاده‌ا با سلیقه مردم تا حد بسیار زیادی متفاوت و یا کلاً متضاد است یا شاید هم تنها این موضوع پیش‌فرض من باشد، زیرا من در سبک لباس پوشیدن تنها از خودم تبعیت می‌کنم البته از این امر نباید غافل شد که نهاده‌ای محدودکننده بر نوع پوشش مردم تاثیر گذاشتند اما من ترجیح می‌دهم لباس‌هایم را از مزون‌های خاص که سبک متفاوتی را نسبت به مغازه‌های سطح شهر دارند، انتخاب کنم که حداقل نوع پوشش‌ام را دوست داشته باشم.»

«راضیه» انتخاب پوشش از سوی جامعه را به نوعی مدّ تحمیلی می‌داند که به نوعی بی‌احترامی به جامعه است و ادامه می‌دهد: «به نظر من اقلیتی از جامعه در این نهاده‌ا و سازمان‌ها با سلیقه‌ای دور از ذهن در حال تصمیم‌گیری برای اکثریت جامعه با تفکرات متفاوت هستند که علایق این گروه مورد پسند عموم نیست. در واقع تا زمانی‌که جامعه‌ای برای طرز لباس پوشیدن از سوی نهاده‌ای خاص قانون گذاشته شود، مخالفم زیرا در صورتی‌که اگر پوشش مردم باسلیقه آن نهاده‌ا در تضاد باشد گویی مرتکب جرم شده‌اند.»

افراط و تفریط در نوع سیاست‌گذاری جشنواره‌ها

«فسانه»، ۲۵ ساله است در زمینه مارکتینگ و استارت‌آپ فعالیت دارد. او درباره فعالیت‌های نهاده‌ای متولی و برگزارکننده جشنواره‌های متعدد

روایت سرگردانی مردم

از تاثیر مُدجھانی تا تقابل با متولیان مدولباسی



سود برگزاری جشنواره برای مسئولان و طراحان است یا مردم؟

تصور و دیدگاه برخی از مردم به این سمت سوق پیدا کرده که ماهیت وجودی جشنواره‌ها، نمایشگاه، ایونت و رویدادها برایشان مفید نیست و به نوعی سود و منفعت‌اش برای برگزارکنندگان آن است، مثلاً غزاله بر روی این موضوع تمرکز کرده و می‌گوید این نوع برنامه‌ها برای جوانان دیگر جذابیتی ندارد.

کردن مد، استایل، سبک پوشش و ترند جهانی است، این را خودش می‌گوید و برایم عجیب است که چگونه تمام وقت بر روی این موضوعات فوکوس کرده است، با غرور خاص نام چندتن از طراحان مطرح را می‌آورد و مشخصات محصولاتشان را برایم ریز به ریز تعریف می‌کند، از او درباره جشنواره‌های داخلی و نمایشگاه‌ها می‌پرسم که جواب می‌دهد: «اگر بخواهم به صورت تخصصی درباره جشنواره‌هایمان توضیح بدهم قاطع و بدون حاشیه بگویم که کارکردی برای من به عنوان نسل جوان ندارد. احساس می‌کنم این جشنواره‌ها یک دوره‌می است تا دانشجویایی این حوزه برای رزومه جمع کردن شرکت می‌کنند تا سودی برایشان داشته باشد.»

اگر بخواهم به صورت تخصصی درباره جشنواره‌هایمان توضیح بدهم قاطع و بدون حاشیه بگویم که کارکردی برای من به عنوان نسل جوان ندارد. احساس می‌کنم این جشنواره‌ها یک دوره‌می است تا دانشجویایی این حوزه برای رزومه جمع کردن شرکت می‌کنند تا سودی برایشان داشته باشد.

از او می‌پرسم یعنی چه برایشان سودی داشته کمی بیشتر توضیح بده، «غزاله» می‌گوید: «ببینید یکی از دوستان من فارغ‌التحصیل رشته طراحی بود، تمام طراحی‌هایش با پارچه را برای جشنواره‌ها می‌فرستاد و می‌گفت که این جشنواره رزومه پرپزایی برایش می‌سازد تا در مهاجرت کردن به او کمک کند، واگرنه من ندیدم طراحی‌هایی که در این جشنواره‌ها صورت می‌گیرد در بازار خرید وجود داشته باشند حتی خود طرح هم طراحی خودش را بر تن نمی‌کند زیرا به او سفارش داده‌اند که در طراحی‌اش باید چه قوانینی را رعایت کند و محدودیت‌ها را درنظر بگیرد.» به «غزاله» می‌گویم چرا در تقابل با این نهاده‌ا هستی آن‌ها در تلاش هستند تا پوششی معقول را در جامعه ترویج کنند یا نظم ساختاری در پوشاک ایجاد کنند با نوع دیدگاه و نظرات احساس می‌شود که گارد خاصی با برگزارکنندگان این نمایشگاه‌ا، جشنواره‌ها و رویدادها داری، او جواب می‌دهد: «من گارد ندارم، اما زمانی‌که واقعیت‌ها را بیان می‌کنم و نقد بر روی سیاست‌گذاری‌ها دارم سریعاً به تقابل و تضاد تعبیر می‌شود اما با یک بررسی و تفحص در جامعه می‌توان با این موضوعات برخورد کرد و دید مردم از مدّی پیروی می‌کنند که بسیار متفاوت از مدّ ایرانی است.»

در زمینه مد و لباس در جامعه می‌گوید: «علاقه‌ای به این جشنواره ندارم و اساساً جزء دنبال‌کنندگان نیستم فقط گاه‌گذاری تصاویر برخی از طراحی‌ها و محصولات ارائه شده را در فضای مجازی می‌بینم، پیش‌فرض من این است که این جشنواره‌ها در ایران هنوز به‌صورت حرفه‌ای نتوانسته‌اند خودشان را مطرح کنند و فعالیت‌های وسیع و مثمرتر داشته باشند، تنها یکسری جشنواره‌های نمادین برگزار می‌کنند که برخی از افراد خاص و مشخص شده می‌توانند در آن فستیوال عرض اندام کنند.»

اطلاع‌رسانی این نوع نهاده‌ا بسیار محدود است و کسی به صورت جدی از ماهیت وجودی آن‌ها اطلاعی ندارد. شاید هم خودشان قصد ندارند که به مردم معرفی شوند.

به «فسانه» می‌گویم چرا این نوع نهاده‌ایی که در حوزه مد و لباس فعالیت دارند را نمی‌شناسد و با فعالیت‌های آن آشنا نیست؟ او جواب می‌دهد: «اطلاع‌رسانی این نوع نهاده‌ا بسیار محدود است و کسی به صورت جدی از ماهیت وجودی آن‌ها اطلاعی ندارد. شاید هم خودشان قصد ندارند که به مردم معرفی شوند. به نظر من، نهاده‌ای برگزارکننده جشنواره و نمایشگاه‌ها در اجرای این نوع برنامه افراط و تفریط دارند و در نقش پوشش جامعه به قدری اعمال سلیقه می‌کنند که نظرات و سلاقی مردم را مدنظر قرار نمی‌دهد و آثار و محصولات از عموم جامعه فاصله دارد.»

دوری از نهادهایی که نوعی خاص از استایل را ترویج می‌کنند

«هونا» متولد دهه ۶۰ و عکاس است، درباره ایده گرفتن از پوشش‌اش در جامعه می‌گوید: «برای انتخاب لباس‌هایم ایده خاصی ندارم، اما ترجیح می‌دهم با آزادی پوشش‌ام را انتخاب کنم، زمانی‌که در جمع دوستانم از فستیوال و نمایشگاه مد و لباس که صحبت می‌کنم بیشتر درباره فرش قرمز فستیوال خارجی بحث می‌کنیم آن‌ها به‌روز هستند با علم و دانش در این زمینه فعالیت می‌کنند در حالی‌که در کشور ما درباره این موارد احساسی تصمیم می‌گیرند و گویی همه با هم در یک لجن‌ازی عمیق فرو رفته‌اند.» او درباره طراحان این حوزه می‌گوید: «البته نمی‌دانم طراح صرف در حوزه مد و لباس در جامعه وجود دارد یا خیر! اما بیشتر طراحی‌ها توجه به ژورنال‌ها، بازاریگر و خواننده بیگانه است که با فرهنگ و شخصیت ما خیلی جور در نمی‌آید. با توجه به این‌که خواهرم نقاش است سعی می‌کنم با او نوعی لباس خاص را طراحی کنم و آن را به دوزنده می‌دهیم تا برایمان بدوزد، در نتیجه رجوع به جشنواره‌ها برایمان شبیه کابوس شده زیرا هر کس خودش را به نوعی بهترین طرح می‌داند و اگر انتقادی به آنان داشته باشیم سریعاً ناراحت می‌شوند. ما هم سعی داریم کلاً از نهاده‌ا و سازمان‌هایی که به عنوان متولی در این حوزه فعالیت می‌کنند، دوری کنیم.»

چالش ها و فرصت های حج به عنوان بزرگترین گردشگری دینی جهان



مجموعه‌ای از ارزشهای اسلامی، نمودار کوچکی از جامعه اسلامی برتر، مظهر تمدن نوین اسلامی، نمایش بندگی و اخلاق، عامل وحدت امت اسلام و یکی از مظاهر حیات اجتماعی اسلام است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالفتاح نواب؛ نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت اعلام کرده است که اسمال طولانی ترین دوره حج پس از پیروزی انقلاب اسلامی است و علیرضا خورشیدیان رئیس سازمان حج و زیارت؛ این اقامت طولانی را یک فرصت بی‌نظیر جهت ارتقای فرهنگ دینی و بهره‌گیری از ارزش‌های معنوی و اخلاقی برای حجاج ایرانی یاد کرده است.

طولانی‌ترین دوره حج زائران ایرانی بنابر توصیه‌های رهبر معظم انقلاب باید به فرصتی در جهت الفت با برادران مسلمان، حضور در صفوف منظم نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی همراه با بقیه مسلمانها، آبرو بخشیدن حجاج به ملیت و هویت ایرانی، نشان دادن برجستگی‌های خلایقات اجتماعی ملت ایران به دیگر ملتها، حفظ آبرو و عزت ایران در مقابل بقیه مسلمانها، اهمیت دادن به نماز و خشوع و توسل در ایام حج، دعا برای برطرف شدن مشکلات و گرفتاریهای امت اسلام و دعا برای کم شدن شر دشمنان از سر دنیای اسلام منجر شود

اخبار

«عصرانه‌های شادی» در فرهنگ‌سراها و بوستان‌های شهر تهران
همزمان با فرارسیدن ایام تابستان و با هدف ایجاد نشاط و شادابی در بین شهروندان ویژه‌برنامه «عصرانه‌های شادی» تا هشتم شهریور در فرهنگ‌سراهای مناطق ۲۲ گانه و بوستان‌های شهر تهران میزبان شهروندان است.
به گزارش امتیاز؛ محمد جواد حیدری‌پور مدیر فرهنگی هنری منطقه یک و رئیس فرهنگ‌سرای ملل گفت: با توجه به فرارسیدن ایام تابستان و در راستای برنامه‌هایی که سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با شعار «روی خط زندگی» در سطح شهر تهران برگزار می‌کند، ویژه‌برنامه‌ای با عنوان «عصرانه‌های شادی» از ۱۸ تیر آغاز شده است و تا ۸ شهریور در فرهنگ‌سراها و بوستان‌های شهر تهران برگزار می‌شود.

حیدری پور دبیر اجرایی «عصرانه‌های شادی» گفت: این برنامه به منظور غنی سازی اوقات فراغت و استحکام و تقویت بنیاد خانواده‌ها با اجرای برنامه‌هایی چون؛ ایستگاه‌های نشاط و سرگرمی، نقاشی و خلاقیت، بازی‌های فکری، نمایشگاه‌های هنری و میدانی، بازی‌های ورزشی، ارائه محصولات فرهنگی، مسابقات تفریحی و... هر روز در عصرهای تابستان در فرهنگ‌سراها و بوستان‌های شهر تهران میزبان خانواده‌های تهرانی است.

وی در پایان گفت: شهروندان برای شرکت در برنامه‌های عصرانه شادی می‌توانند به نزدیک ترین فرهنگ‌سرای محله خود در یکی از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران و برای کسب اطلاعات بیشتر به دبیرخانه اجرایی این برنامه واقع در فرهنگ‌سرای ملل مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۲۲۶۷۱۷۱۸ تماس بگیرند.

در شماره اخیر ماهنامه «فکه» صورت گرفت **پرداختی مطبوعاتی به زندگی شهید مدافع حرم «شاهرخ دایی‌پور»**
یکی صد و بیست و چهارمین شماره ماهنامه فکه با محوریت پرداخت به شهید مدافع حرم «شاهرخ دایی پور» به همت مؤسسه فرهنگی هنری جنات فکه منتشر شد، در این شماره که موضوعاتی همچون سختی معیشت مردم، نامآرامی دای پور و برجام و فرصت حاصل از آن و راهکارهای تشکیل یک دولت جوان و حزب الهی مورد بررسی قرار گرفته است، مصاحبه‌ای با چند تن از اعضای خانواده شهیدان «محمد کاظم و عبدالعزیز عرب نژاد» و چند نفر دیگر از رزمندگان دوران دفاع مقدس انجام شده است.
همان طور که اشاره شد در شماره اخیر ماهنامه «فکه» به زندگی شهید مدافع حرم «شاهرخ دایی پور» نگاه ویژه ای انجام شده است. در بخشی از این پرونده با عنوان «جاد عزیز» در مورد این شهید مدافع حرم آمده است: «اولین سالگرد شهادت در اولین روز نخستین ماه تابستان بهانه‌ای شد تا این بار صفحه مدافعان حرم ماهنامه فکه با نام تو نفس بشکد. سردار شهید حاج شاهرخ دایی پور سردار مجاهد که سال‌های جوانی اش با سال‌های دفاع مقدس همزمان شد و او را به میانه معرکه‌ای کشید که دیگر نتوانست از آن پا پس بکشد. دلش جا ماند و تمام سال‌های بعد از جنگ را با یاد دوستان شهیدش سر کرد. سرداری که نه زان‌شستگی و نه درجه‌های روی شانه‌اش او را ذره‌ای از راهی که به آن عشق می‌ورزید جدا نکرد. او آن قد به دنبال شهادت دوید تا آن را در قامت سربازی عقیله بین هاشم به آغوش کشید و سرخ روی به یاران شهیدش پیوست.»
در ادامه این پرونده نشریه «فکه» گفت و گوهای جداگانه‌ای با کتاویون فرهادیان (همسر شهید دایی پور)، سردار سیدمحمودرضا شمس دولت آبادی (هم رزم شهید)، دکتر قاسم حسینی (دانشدار فرماندهی و ستاد (دافوس)، «من رزم شهید» و سیدحبیب شاهی دیگر هم رزم شهید و آخرین همراه شهید دایی پور در لحظات آخر زندگی انجام شده است. در بخشی از گفت و گوی سید حبیب شاهی می‌خوانیم: «سردار دایی پور به عنوان فرمانده قراگاه تاکتیکی و من به عنوان فرمانده عملیات آن قراگاه بودم. جاده حمیمه بین تدمر و البوکمال قرار داشت. جاده باید پاکسای می‌شد. قبلاً مقداری از جاده حج پس از پیروزی ایران زده، آسفالته شده بود. پیش از این در آن منطقه، عملیات مشترک با گروه‌های مقاومت مثل فاطمینو انجام داده بودیم. روز قبل از حادثه ۵۰ کیلومتر پاکسازی کردیم و پیش رفتیم. صبح فردا که قرار شد بقیه عملیات پاکسازی انجام بگیرد، از پایگاه تی ۳ به سمت مقر مشترک با سایر نیروهای مقاومت به راه افتادیم. چهل پنجاه کیلومتر که جلو رفتیم، ماشین از سمت راست که سردار نشسته بود رفت روی یک تله انفجاری و منفجر شد.....»
در ادامه این شماره «فکه» کتاب‌های جدیدی و تجدید چاپ در حوزه دفاع مقدس به این شرح معرفی شده‌اند: «خودسازي به سبک شهید؛ روایتی از تصفیه نفس شهید» (زهره موسوی، انتشارات مؤسسه حماسه یاران چند زندگی، «آخر شهید می‌شوی، روایتی از یک زندگی عجیب آوَر» (حسن شرفخانو، انتشارات روایت فتح از مجموعه سدهای مدافع حرم شماره پانزدهم زندگی شهید صادق عدالت اکبری)، «ناگرا؛ خاطرات یک خبرنگار جنگ» (زهره میرباقری، انتشارات روایت فتح شامل خاطرات شهید جبریان روی خامنه)، «آیت الله محمد جنتی به روایت اسناد» (نویسنده و ناشر مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، «امیر دل‌ها؛ زندگینامه تنها امیر شهید کهگیلویه و بویر احمد» (فریباغلی حسن زاده، انتشارات فتح دنیا)، «راز رضوان؛ خاطرات سردار مقاومت اسلامی» (نویسنده و ناشر گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی)

بخش انتهایی این شماره «فکه»، به مقاله‌ای عربی و به قلم کتاویون فرهادیان اختصاص دارد که در آن رشادت‌های شهید دایی پور از زبان همسرش در لبنان و دیگر کشورهای عربی مورد یادآوری قرار گرفته است.